

با دانش، خودتان را مجهز کنید؛ من توصیه میکنم به همه‌ی شما
جوانان عزیز که درس خواندن را جدی بگیرید. رهبر معظم انقلاب

عَيْنَ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (رقم ۱ الی ۷):

۱- «لَأَسَاعِدَ أُمَّي فِي أَعْمَالِهَا، خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ لَتَهِيئَةِ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ!» :

- ۱- برای اینکه به مادرم در کارهایش کمک کنم، برای تهیه‌ی آن چه به آن نیاز دارد از خانه خارج شدم!
 - ۲- باید به مادرم در کارهایش کمک کنم و برای تهیه‌ی ما یحتاج وی از خانه خارج شوم!
 - ۳- برای این که به مادرم در کارهای خانه کمک کنم، از خانه خارج شدم و ما یحتاج او را تهیه کردم!
 - ۴- باید در کارهای مادرم به او کمک کنم و برای تهیه‌ی آن چه نیاز دارد از خانه خارج شوم!
- ۲- «إِنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ يَنْتَفِعُونَ مِنْ نِعْمَةِ الْعَقْلِ الَّذِي هُوَ أَحْسَنُ مَعْيَارٍ لِلتَّمْيِيزِ!» :

- ۱- قطعاً بندگان برتر خدا آنانی هستند که از نعمت عقل نفع برده اند و این مهم ترین معیار برای تمییز دادن است!
 - ۲- مسلماً از عبادان خدا برترینشان همان کسانی هستند که از نِعَمِ عقلی که بهترین معیار تمییز است، سود می‌برند!
 - ۳- برترین بندگان خدا همان کسانی هستند که از نعمت عقل که بهترین معیار برای تشخیص است بهره مندند!
 - ۴- بهترین عبادت کنندگان خدا کسانی‌اند که از موهبت عقل بهره مندند زیرا آن نیکوترین وسیله برای تشخیص است!
- ۳- «تُرْفَعُ دَرَجَةُ عِبَادِ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ بِكُلِّ عَمَلٍ يَعْمَلُونَهُ وَ بِكُلِّ لِحْظَةٍ يَتَأَمَّلُونَ بِهَا!»:

- ۱- بندگان خاص خدا به درجه‌ای از تعالی می‌رسند وقتی کاری می‌کنند و یا خوب تأمل میکنند!
 - ۲- بندگان مخلص برای خدا هر عملی که می‌کنند و هر لحظه‌ای که می‌اندیشند درجه شان بالا می‌رود!
 - ۳- مرتبه بندگان با هر عمل خالصی که انجام می‌دهند و هر زمانی که خوب می‌اندیشند متعالی می‌شود!
 - ۴- مرتبه بندگان با اخلاص خدا و با هر عملی که انجامش می‌دهند و هر لحظه‌ای که در آن درنگ می‌کنند بالا می‌رود!
- ۴- «بَعْضُ النَّاسِ، لَا يُمْكِنُ أَنْ نَعْتَمِدَ عَلَيْهِمْ، لِأَنَّهُمْ عِنْدَمَا يَقُولُونَ كَلَامًا يَنْسُونَهُ بَعْدَ لِحْظَاتٍ!»:

- ۱- ممکن نیست به بعضی مردم اعتماد کرد چه آن‌ها وقتی سخنی را بگویند لحظاتی بعد فراموش می‌کنند!
- ۲- بعضی مردم غیر قابل اعتمادند، چه زمانی که سخنی را می‌گویند بعد از لحظه‌ای آن را فراموش می‌نمایند!
- ۳- غیرممکن است بتوان به برخی از مردم اعتماد نمود زیرا هنگامی که حرفی را می‌زنند لحظاتی دیگر فراموش می‌نمایند!
- ۴- بر بعضی مردم ممکن نیست اعتماد کنیم زیرا آن‌ها هنگامی که کلامی را می‌گویند بعد از لحظاتی آن را فراموش می‌کنند!

رسول الله (ص):

«طالب العلم بين الجهال كالحى بين الأموات»

۵- «شجعت الأشعار التي أنشدت للجيوش لمواجهة الكفر و الظلام!»:

۱- شعرهایی که سرودند لشکریان را به مواجهه کردن با کفر و سیاهی ترغیب کرد!

۲- اشعاری که سروده شد سپاهیان را به رویارویی با کفر و تاریکی تشویق کرد!

۳- اشعار که سروده شد لشکریان به رویارویی با کفر و سیاهی تشویق شدند!

۴- شعرها را که سرودند سپاهیان به مواجهه با کفر و تاریکی ترغیب شدند!

۶- « ما عاد هؤلاء التلاميذ الى البيت مثل الأيام الأخرى و بقوا فى المكتبة للمطالعة!»:

۱- دانش آموزان مثل هر روز دیگر به خانه خود برنگشتند و در کتابخانه ماندند تا مطالعه کنند!

۲- این دانش آموزان مثل روزهای دیگر به خانه برنگشتند و در کتابخانه برای مطالعه باقی ماندند!

۳- برنگشتن این دانش آموزان به خانه مثل هر روز به خاطر باقی ماندن در کتابخانه برای مطالعه بود!

۴- اینها دانش آموزانی هستند که به خانه مثل همه ایام برنگشتند و در کتابخانه باقی ماندند تا مطالعه کنند!

۷- « لا تشكوا مما جرى عليكم من صعوبات الدنيا، لأنها وسيلة للتعرف على حقيقة أنفسكم!»:

۱- مشکلات دنیا وسیله‌ای برای شناساندن وجود شما است که بر شما می‌گذرد، پس از آنها منالید!

۲- سختی‌های دنیا که بر شما گذشته است وسیله‌ای برای شناخت اصل وجودتان است، پس از آنها شکایت مکنید!

۳- از آن چه از سختی‌های دنیا بر شما می‌گذرد شکایت مکنید، چون وسیله‌ای برای شناخت حقیقت روحتان است!

۴- از آن چه از سختی‌های دنیا بر شما رفته است منالید، زیرا آن‌ها وسیله‌ای برای شناخت حقیقت وجودتان است!

۸- عين الخطأ:

۱- نفرق بیننا و بین إلهنا بكل عمل سيئ! با هر عمل ناپسندی بین خود و خدای خود جدایی می‌افکنیم!

۲- قد جعل الله بين المؤمنين مودة خالدة! خداوند بین مؤمنان دوستی جاودانه‌ای قرار داده است!

۳- لماذا نأمر الآخرين بما لا نعمل به! چرا دیگران را به آن چه خود عمل نمی‌کنیم امر می‌کنیم!

۴- هذان أشجع أهل أسرتهما! آن دو شجاع‌ترین اهل خانواده خود بودند!

پایه یازدهم

ادبیات عرب

اولین الهیاد تخصصی

پیامبر اکرم (ص): «جویای دانش در میان مردمان نادان، همچون
شخص زنده است در میان مردگان»

۹- عین الخطأ:

- ۱- یا رب، لا شبهة بیننا و بینک: پروردگارا، هیچ شباهتی بین ما و تو نیست،
 - ۲- لأننا ننسى كل الخیرات بعد مشاهدة شر واحد: زیرا ما همه خوبی ها را بعد از دیدن یک بدی فراموش می کنیم،
 - ۳- ولکنک تنسى كل سیئاتنا بعد مشاهدة خیر واحد: ولی تو همه بدی های ما را بعد از دیدن یک خوبی فراموش می کنی،
 - ۴- فنستعین بک فی جمیع أحوالنا الظاهرة منها و غیر الظاهرة: پس از تو در همه حالت های آشکار و نهان یاری می طلبیم!
- ۱۰- عین الصحیح:

- ۱- إلهی، إجعل محبتک فی قلوبنا! خدایا محبت را در قلبمان قرار ده!
 - ۲- دَع الدنیا و إلیّ لا تصل الی السعادة! به سعادت نمی رسی مگر این که دنیا را رها کنی!
 - ۳- دار کلام بین الأطباء عن الأمراض! سخنی درباره بیماری ها بین پزشکان جریان یافت!
 - ۴- تعودنا أن نقوم بالحفلة بأی مناسبة! به برگزاری مراسم به هر مناسبتی عادت کرده اند!
- ۱۱- « بعضی از حقایق تلخی را که اطراف ما وجود دارند نمی توانیم انکار کنیم، و ناچار باید با آنها مواجه شویم! »:

- ۱- ما استطعنا إنکار بعض حقائق الصعبة و لا بد لنا من مواجهتها!
- ۲- لم نستطع إنکار بعض الحقائق الصعبة حولنا و لیس علينا أن نواجهتها!
- ۳- لا نقدر أن ننکر بعض الحقائق المرّة یوجد أماننا، و علينا أن نواجهها!
- ۴- لا نستطیع أن ننکر بعض الحقائق المرّة التي توجد حولنا، و لا بد لنا أن نواجهها!

۱۲- « مدیر، جوانی را انتخاب کرده بود که تجربه های کمی داشت و خودستایی نمی کرد! »:

- ۱- إنتخب المدير شاباً كانت تجاربه قليلة و ما كان یمدح نفسه!
- ۲- كان المدير إنتخب الشابّ كانت له تجارب قليلة و ما كان یمدح نفسه!
- ۳- كان المدير إنتخب شاباً كانت له تجارب قليلة و ما كان یمدح نفسه!
- ۴- المدير قد إنتخب الشابّ الذي كانت تجاربه قليلة و لا یمدح نفسه!

رسول الله (ص):

«مَنْهُمَانِ لَا يَشْبَعُ طَالِبُهُمَا: طَالِبُ الْعِلْمِ وَ طَالِبُ الدُّنْيَا»

۱۳- «ای دوست من، رهایم کن تا درس هایم را بخوانم که این برای من بهتر است!»:

۱- دعنی یا صدیقی حتی اقرأ دروسی فَإِنَّهُ أَفْضَلُ لِي!

۲- دع یا صدیقی لأقرأ دروسی و هذا أَفْضَلُ لِي!

۳- دعینی یا صدیقتی حتی أدرس دروسی لِأَنِّي أَزْكِي مِنْهُ!

۴- دعنی یا صدیقی لِأَنَّ أَدْرَسَ الدَّرْسَ وَ هَذَا أَزْكِي لِي!

۱۴- «يوم العدل على الظالم أشد من يوم الجور على المظلوم!». عَيْنُ الْأَقْرَبِ فِي الْمَفْهُومِ:

۱- ریشه ی بیداد بر خاکستر است!

۲- ظلمت از ظلم دان و نور از عدل!

۳- کلوخ انداز از پاداش سنگ است!

۴- ستم بر ستم پیشه عدل است و داد!

۱۵- « يَا بُنَيَّ أَحِبُّ لغيرك ما تحب لنفسك و أكره له ما تكره لها!». لا يَدُلُّ عَلَيَّ:

۱- الطَّرِيقَةُ الصَّحِيحَةُ فِي التَّعَامُلِ مَعَ النَّاسِ!

۲- لو يَحْتَرِمُكَ النَّاسُ إِحْتَرَمْتَهُمْ وَ إِلَّا فَلَا!

۳- إَجْعَلْ نَفْسَكَ مَعْيَاراً وَ مِيزَاناً بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الْآخِرِينَ!

۴- تَعَامَلُوا النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ الْإِنصَافِ!

۱۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«إِنَّ الْمَوَادَّ السَّكَّرِيَّةَ الْمَوْجُودَةَ فِي الْعَسَلِ سَهْلَةٌ الْهَضْمِ!»:

۱- سهله: اسم - مفرد مؤنث - مشتق (صفة مشبهة) - معرف بالإضافة - معرب / خبر مفرد لحرف «إِنَّ»

المشبهة بالفعل و مرفوع

۲- المَوَادَّ: اسم - جمع تكسير (مفردة: مَادَّةٌ مُؤنث) - معرف بالإضافة - معرب - منصرف / اسم «إِنَّ» و

منصوب، و الجملة اسمية

۳- السَّكَّرِيَّةُ: مفرد مؤنث - جامد - (اسم منسوب) - معرف بآل - معرب - منقوص / نعت مفرد و

منصوب بالتبعية لمنعوتة «المواد»

۴- الْمَوْجُودَةُ: مفرد مؤنث - مشتق و اسم مفعول (مصدره: ايجاد) - معرف بآل - معرب - منصرف / نعت

مفرد و منصوب بالتبعية لمنعوتة «المواد»

پایه یازدهم

حقیقات عربی

اولین الهیاد تخصصی

پیامبر اکرم (ص): «دو پُر خورند که هیچ گاه سیر نمی شوند:

جوینده دانش و جوینده دنیا»

۱۷- «رأیت الطالبات یأتین مع والدیهنّ إلى الحفلة!»:

- ۱- الطالبات: اسم - جمع سالم للمؤنث - جامد - معرّف بأل - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب بالكسر
 - ۲- یأتین: للغائبات - مجرد ثلاثی - معتلّ و ناقص - مبنی (لوجود نون الضمیر) / فعل و فاعله ضمیر النون البارز
 - ۳- رأیت: ماضٍ - مجرد ثلاثی - معتلّ و أجوف - متعدّ - مبنی للمعلوم / فعل و فاعله ضمیر التاء البارز
 - ۴- والدی: مثنی مذکر - مشتق و اسم فاعل - معرّف بالإضافة - معرب / مضاف الیه و مجرور بالفتحة
- ۱۸- «إنّ هذه القطرات كانت قد أحدثت حفرة عميقة في الصخرة!»:

- ۱- هذه: اسم إشارة - للقريبة - معرفة - مبنی علی الكسر / اسم «إنّ» و منصوب محلاً و الخبر: جملة «كانت ...»
- ۲- عميقة: مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبّهة (مصدره «عمق») - نكرة - معرب - منصرف / خبر مفرد لحرف «إنّ» و مرفوع
- ۳- القطرات: جمع سالم للمؤنث - جامد - معرّف بأل - معرب - منصرف / خبر مفرد لحرف «إنّ» و مرفوع
- ۴- كانت: ماضٍ - للغائبة - مجرد ثلاثی - معتلّ و أجوف (له إعلال القلب) / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه «حفرة» و الجملة فعلية

۱۹- «لطاق هواي رضای منای / فهب لی لطاق، و هب لی رضاك!»:

- ۱- لقا (= لقاء): اسم - جامد - معرّف بالإضافة / الأولى: مبتدأ، و الجملة اسمية، الثانية: مفعول به
 - ۲- منا: اسم - مفرد مذکر - مشتق (صفة مشبّهة) - معرب - مقصور / خبر و مرفوع تقديراً
 - ۳- هب: فعل أمر - للمخاطب - مجرد ثلاثی - معتلّ و أجوف (له إعلال الحذف) / فعل و فاعله ضمیر «أنت» المستتر
 - ۴- رضا: مفرد مذکر - مشتق (صفة مشبّهة) / الأولى: مبتدأ و مرفوع تقديراً؛ الثانية: مفعول به و منصوب تقديراً
- ۲۰- «لم تأمرون الناس بالبرّ و تنسون أنسکم!»:

- ۱- الناس: اسم - جامد - معرّف بأل - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب بالكسرة
- ۲- أنفس: جمع تكسير (مفرده: نفس) - معرّف بالإضافة - معرب - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب
- ۳- تنسون: للمخاطبين - مجرد ثلاثی - معتلّ و ناقص (له إعلال الحذف) / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب
- ۴- تأمرون: معتلّ و مثال - متعدّ - مبنی للمعلوم - معرب / فعل و فاعله ضمیر الواو البارز و الجملة فعلية

٢١- «لقد ذوقكم ابن أبي طالب الجرأة!»:

١- أبي : من الأسماء الخمسة - مفرد مذكر - معرف بالإضافة - معرب / مضاف اليه و مجرور بالياء

٢- ابن : من الأسماء الخمسة - مفرد مذكر - معرف بالإضافة - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع

٣- طالب : مشتق و إسم فاعل (مصدره : طلب) - معرفة (علم) - معرب - ممنوع من الصرف / مضاف اليه و مجرور

٤- ذوق : ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - معتلّ و أجوف / فعل و فاعله «ابن» و الجملة فعلية

٢٢- «إذا أضع الإنسان الأمل يزول عنه السعي و العمل!»:

١- الأمل: مفرد مذكر - مشتق (اسم تفضيل) - معرفّ بأل - معرب - منصرف / مفعول به منصوب

٢- السعي : اسم - مفرد مذكر - جامد - معرفّ بأل - معرب - منقوص - منصرف / فاعل و مرفوع تقديرًا

٣- أضع : ماضٍ - مجرد ثلاثي - معتلّ و أجوف (له اعلال القلب) - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «الإنسان»

٤- يزول : فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - معتلّ و أجوف - لازم / فعل مرفوع، فاعله «السعي» و الجملة فعلية

٢٣- «أوصاني بالصلاة و الزكاة ما دمت حيًّا!»:

١- أوصى: ماضٍ - مزيد ثلاثي (من باب افعال) - معتلّ و أجوف - متعدّد / فعل و فاعله «هو» المستتر و الجملة فعلية

٢- دمت: فعل ماضٍ - للمتكلم وحده - معتلّ و أجوف (له إعلال الحذف) / ما دمت: من الأفعال الناقصة، اسمه

ضمير التاء البارز

٣- حيًّا: مفرد مذكر، مشتق (صفة مشبهة) - نكرة - معرب - مقصور - منصرف / خبر مفرد لفعل «مادام» و منصوب

٤- الزكاة: مفرد مؤنث - مشتق (صفة مشبهة) - معرفّ بأل - منصرف / معطوف و مجرور بالتبعية المعطوف عليه «الصلاة»

٢٤- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

١- على الشبابِ المُجِدِّينَ أَنْ يَغْتَنِمُوا فُرْصَ الْخَيْرِ! ٢- عَلَيْكَ أَنْ تَتَعَلَّمَ دُرُوسَكَ بِأَحْسَنِ وَجْهِ!

٣- نَحْنُ نَسْتَعْدِمُ التَّمثِيلَ فِي كَلَامِنَا! ٤- اجْتَنِبُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ!

پیامبر اکرم (ص): «هر گاه مرگ دانش جویی در حال آموختن
دانش فرا رسد، شهید مرده است.»

۲۵- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- ۱- مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ!
۲- هَيَّاتُ مَقَالَةً فِي مَجَالِ الْأَدَبِ لِمُدْرَسَتِي!
۳- سَمِعْتُ أَصْوَاتٌ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ!
۴- الصِّحَّةُ وَالْأَمَانُ نِعْمَتَانِ لَا تُعْرَفَانِ!
۲۶- عَيْنٌ نَاسِخَةٌ، اسْمُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ:

- ۱- لَيْسَ الْأَبْيَضُ جَمِيلًا دَائِمًا، فَإِنَّ الْكَفْنَ أَبْيَضٌ وَلَكِنَّهُ مَخُوفٌ،
۲- وَ لَيْسَ الْأَسْوَدُ قَبِيحًا دَائِمًا، فَإِنَّ الْكَعْبَةَ سُودَاءٌ وَ هِيَ مَحْبُوبَةٌ،
۳- قَبْلَ أَنْ تَرْفَعِي رَأْسَكَ وَ تَشْتَكِي مِنْ كُلِّ مَا لَيْسَ فِي يَدِكَ،
۴- أَنْظُرِي إِلَى نَفْسِكَ وَ إِلَى كُلِّ مَا فِي يَدِكَ، لَعَلَّكَ تَكُونِينَ مِنَ الشَّاكِرِينَ!
۲۷- عَيْنٌ الْخَطَا (فِي النَّوَاسِخِ):

- ۱- مَشَاكِلُ الْحَيَاةِ مَا دَامَتْ بَاقِيَةً أَبْيَهُ الْأَعْزَاءِ!
۲- لَيْتَنِي أَقَاوِمُ أَمَامَ الْقَوَاتِ الْفَجْرِ الْكُفْرَةِ!
۳- كُونُوا مَتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ فِي أُمُورِكُمُ الْإِجْتِمَاعِيَّةِ!
۴- إِنَّ الْمُسْلِمِينَ قَادِرُونَ أَنْ يَسَيِّرُوا عَلَى الْكَافِرِينَ!
۲۸- «هُمَا مُسَاعِدَا الْحُكْمِ فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ السَّلَّةِ بَيْنَ لَاعِبِي الْمَدْرَسَةِ! عَيْنٌ الصَّحِيحِ فِي اسْتِخْدَامِ
«أَصْبَحَ»:

- ۱- أَصْبَحَ هُمَا مُسَاعِدَا الْحُكْمِ فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ السَّلَّةِ بَيْنَ لَاعِبِي الْمَدْرَسَةِ!
۲- فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ السَّلَّةِ بَيْنَ لَاعِبِي الْمَدْرَسَةِ أَصْبَحَهُمَا مُسَاعِدَى الْحُكْمِ!
۳- فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ السَّلَّةِ بَيْنَ لَاعِبِي الْمَدْرَسَةِ أَصْبَحَ هُمَا مُسَاعِدَا الْحُكْمِ!
۴- أَصْبَحَا مُسَاعِدَى الْحُكْمِ فِي مَبَارَاةِ كُرَةِ السَّلَّةِ بَيْنَ لَاعِبِي الْمَدْرَسَةِ!
۲۹- أَكْتُبِ الْجُمْلَةَ مَعَ «أَصْبَحَ»: «هِنَّ نَاجِحَاتٌ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ الْمَدْرَسِيَّةِ»

- ۱- أَصْبَحُوا نَاجِحَاتٍ فِي ...
۲- أَصْبَحْنَ نَاجِحَاتٍ فِي ...
۳- أَصْبَحْتُنَّ نَاجِحَاتٍ فِي ...
۴- أَصْبَحِهِنَّ نَاجِحَاتٍ فِي ...

رسول الله (ص):

«مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ تَكَفَّلَ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقِهِ»

٣٠- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

١- كانت في تلك الغرفة الصغيرة مصباحين اثنين!

٢- في تلك الغرفة الصغيرة كانت مصباحين اثنين!

٣- كان في تلك الغرفة الصغيرة مصباحان اثنان!

٤- في تلك الغرفة الصغيرة كان مصباحان اثنان!

٣١- عَيْنِ الْخَطَأِ:

١- كان الأخوان متشابهين في الإجهاد!

٢- لعلَّ الأمانات تُردُّ إلى أهلها!

٣- إنَّ إخوان الشياطين مبذران!

٤- إنَّني كنت مستعدَّة للذهاب إلى الصلاة!

٣٢- عَيْنِ الْخَطَأِ:

١- صار المبذر أخو الشيطان!

٢- كأنَّ المبذر أخو الشيطان!

٣- كان المبذر أخا الشيطان!

٤- لعلَّ المبذر أخو الشيطان!

٣٣- استخدم «كان» مع العبارة التالية: «هم أشدُّ منكم قوَّة»

١- كانوا أشدُّ منكم ...

٢- كانوا هم أشدُّ منكم ...

٣- كان هم أشدُّ منكم ...

٤- كان هم أشدُّ منكم ...

٣٤- عَيْنِ الْخَطَأِ (في الإضافة و التوصيف):

١- الرِّجْلان الشابَّان حجَّابا بيت الله الحرام!

٢- بينما أنا غارقٌ في تخيَّلاتي ناداني صديقاني!

٣- أبلغت والديك أنك ستأخرين في وصولك إلى البيت!

٤- فرح النَّاس بتفوق ذي علمٍ و حصوله على درجات عالية!

بأنه يازدهه

أحاديث عرين

أولئین العیباد تخصیصی

۳۵- عین جمعاً مؤنثاً مرفوعاً بالتبعیة:

- ۱- أنظر إلى هذه المناظر الجميلة، هي آيات ظاهرة لله تعالى!
 - ۲- لوطننا نساء فاضلات يتقدمن على غيرهن بسعيهن!
 - ۳- كانت لنا اليوم ساعات مفيدة للدراسة أكثر من الأيام الأخرى!
 - ۴- لنعلم قيمة بناتها الصالحات وعلينا ترغيبهن نحو سبيل الكمال!
- ۳۶- عین ما فيه النعت أكثر:

- ۱- إن كنا في الجوِّ البارد، أشعة الشمس وحرارتها لنا فرصة ذهبية!
 - ۲- عندما مات شخص كريم و جليل سيصبح عزيزاً عندنا!
 - ۳- إنَّ الهمةَ العاليةَ للطالب الناجح علةٌ أصليةٌ لتقدمه!
 - ۴- رائحة طعام أمي الحنون انتشرت في بيتنا الصغير!
- ۳۷- عین النعت ليس مجروراً:

- ۱- علينا أن نستمع إلى علمائنا العظام لاكتساب الفضائل!
 - ۲- نحن نحاول أن نصدر منتجاتنا الزراعية إلى الخارج!
 - ۳- إنني أحبُّ أن أرث كلَّ الصفات الحسنة من والدي!
 - ۴- زادت أوراق الأشجار الربيعية و تزينت الحدائق!
- ۳۸- عین الوصف جملةً:

- ۱- قد احتفظ المسلمون بهذا النشاط العلمي قروناً طويلة!
- ۲- يمتاز هذا القارى عن سائر زملائه بصوته الجميل!
- ۳- كلُّ واحد في المجتمع يقوم بعمل ينفع الناس كلهم!
- ۴- وصلنا متأخرين فلم نجد مكاناً مناسباً للجلوس!

رسول الله (ص):

«إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ تَبَسُّطُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ أَجْنِحَتَهَا وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ»

٣٩- عين الجملة الوصفية ليست في محل الجرّ:

١- تهتمّ الأمّ دائماً بتربية تفيدها أولادها و تؤثر في سلوكهم الإجتماعي!

٢- إكتسب هذا العالم درجة في العلم ما حصل عليها أحد حتى الآن!

٣- يفصل الله الآيات لقوم يعقلون و يستعملونها في الحياة حسناً!

٤- ينعم الإنسان اليوم بنعم مختلفة خلقها الله كلها لراحته!

٤٠- «كان أخوای يرجعان خاسرين ولكنهما لم يظلما أحداً و لم يتوكّلا إلّا على ربّهما!»، كم علامة

فرعية للرفع و الجزم في العبارة؟

٢- اثنتان - اثنتان

١- واحدة - ثلاث

٤- ثلاث - اثنتان

٣- اثنتان - واحدة

٤١- عين الفاعل مرفوعاً تقديرأ و المفعول منصوباً محلاً:

١- وجدته قائماً يصلى في المحراب!

٢- إذا أتاك كتابي فاحتفظ بما يدك!

٣- إن الإيرانيين ألفوا كتباً عديدة في الصرف و النحو!

٤- أثبتت التحاليل الطبية أن العسل يقدم نشاطاً سريعاً لعضلات الجسم!

٤٢- عين علامة الإعراب التقديرية:

١- من رضى عن نفسه لا يدرك ما يطلبه الآخرون!

٢- من أَرْضَى النَّاسَ بَغْضَبِ اللَّهِ، غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ!

٣- إعلم أن أضرّ الأشياء للإنسان رضاه عن نفسه!

٤- إن الله يغضب عليك إن تركت أمره و نهيه!

بانه يازدهه

أجبيات عرب

أوليين الهداد تخصص

پیامبر اکرم (ص): «همانا فرشتگان بال‌های خود را زیر پاهای
جوینده دانش می‌گسترانند و برای او استغفار می‌کنند.»

۴۳- عَيْنَ الممنوع من الصرف جرّه بالكسر:

۱- إنّ المعالم الأثرية الإسلامية في إيران كثيرة!

۲- إنّ وقت مراسم حفلتنا سيكون في الأسبوع الآتی!

۳- أنا أعتد في حياتي على سواعد تساعدني في الأمور الشاقّة!

۴- لي أخت لا ترضي في المطالعة دروسهما بوقت أقلّ من الساعتين!

۴۴- عَيْنَ الصحيح (في الإعراب):

۱- يبيع البزازون و يشترون في السوق أنواع الإقمشة بأسعار مختلفة!

۲- والداي منحاني جائزتان بسبب نجاحي في امتحانات نهاية السنة!

۳- في أموالنا حقّ للمحرومين، فعلينا أن نعطي ذوالحقّ ما يكون له!

۴- هما زميلينا و قد سبقنا في جميع المجالات العلمية و الدنيّة!

۴۵- عَيْنَ ضمير «نا» للرفع و النصب و الجرّ معاً:

۱- يساعدنا أبونا في غرض أشجارنا الخضراء!

۲- سافرنا إلى مدينة أسرتنا لزيارة أقبائنا!

۳- كتبنا تماريننا حتّى يحسبنا المعلم مجتهدين!

۴- تبتسم لنا وردتنا الحمراء في حديقتنا!

۴۶- كم فعلاً مهموزاً في العبارة التالية؟ «لاتأكلوا كالأنعام و لاتؤثروا الحياة الدنيا فأقيموا الصلوة و

أتوا الزكاة و أطيعوا الرسول»

۱- أربعة

۲- خمسة

۳- ثلاثة

۴- ستّة

رسول الله (ص):

«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا، سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ»

٤٧- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ مَضَاعِفٌ:

- ١- يا ولدي قو نفسك و معنويتك لمواجهة الشدائد!
 - ٢- لن أفر من المصاعب و المشاكل في الحياة!
 - ٣- أولياء المدرسة عدوا هؤلاء التلاميذ من الناجحين!
 - ٤- أرادت صديقتي أن تمن عليّ بإنفاقها، فما قبلته!
- ٤٨- عَيْنٌ الصَّحِيحُ لِلْمَخَاطِبَاتِ:

- ١- باع ← بعن
- ٢- يدعو ← يدعون
- ٣- أهدى ← أهديتنَّ
- ٤- يقول ← يقلن

٤٩- انتخب الصحيح في الأفعال المعتلة:

- ١- نهت الأم ولدها من الأعمال السيئة في حياته!
 - ٢- إن تريدن النجاح في الحياة فاستشيرى العقلاء!
 - ٣- لماذا تنسون أداء الواجبات في البيت أيتها الطالبات!
 - ٤- إن تنهى الصلاة الإنسان عن المنكر فهي صلاة حقيقية!
- ٥٠- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْإِعْلَالِ:

- ١- إني لا أرجو لهؤلاء الضالين هداية إلهية!
- ٢- قالت لي المعلمة: أجبني عن هذا السؤال يا تلميذة!
- ٣- ديننا يدعو الناس أن يستعينوا ربهم فقط!
- ٤- رضى والدى عنى فقال أنا رضيتُ عنك يا ولدى!

بانه يارادهه

أوليات عربن

أوليات العبيد تضحك